

## تحلیل عدم به کارگیری منطقی مؤلفه‌های دفاع غیرعامل در فروپاشی شهر دهدشت در دوران صفویه و قاجار

ابراهیم رایگانی<sup>۱\*</sup>، عابد تقوی<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس  
<sup>۲</sup> استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه مازندران

تاریخ پذیرش: ۹۳/۲/۲۰

تاریخ دریافت: ۹۲/۹/۱

### چکیده

مقوله دفاع غیرعامل در تاریخ معماری ایران، به عنوان یکی از تدابیر مهم حاکمان و بانیان در روند شکل‌گیری و گسترش شهرها به شمار می‌رفته است. این نوع دفاع به منظور به حداقل رساندن آسیب به نیروهای خودی در مقابل هجوم دشمن لحاظ می‌شد و معمولاً بدون دخالت نیروی انسانی صورت می‌گرفت. تحقیق حاضر تلاش دارد به این پرسش پاسخ دهد که، با توجه به آگاهی بانیان شهر دهدشت از ضرورت ایجاد امنیت سیاسی و اقتصادی برای شهر دهدشت، به چه دلیل یا دلایلی متغیرهای دفاع غیرعامل مورد توجه قرار نگرفته است؟ در پاسخ به این پرسش این فرض مطرح است که، به دلیل عدم استفاده مناسب و صحیح از دو اصل جدایی و پراکندگی، شهر در شش مقطع زمانی دچار آسیب جدی شده است. این پژوهش با بهره‌گیری از رویکرد توصیفی و تحلیل تاریخی، کوشیده است نقش مؤلفه‌های مؤثر این سامانه دفاعی را در فرایند شکل‌گیری، گسترش و فروپاشی شهر دهدشت در دوران صفویه و قاجار مورد ارزیابی قرار دهد. روش گردآوری اطلاعات بر اساس پژوهش‌های کتابخانه‌ای و مطالعات میدانی انجام پذیرفته است. نتایج نشان می‌دهد که شهر دهدشت از دوره صفویه تا عصر قاجار از روش‌های دفاع غیرعامل (پدافند غیرعامل)، استفاده نادرستی داشته است و این امر موجب شده تا شهر دهدشت در طول چهارصد سال، در شش برهه زمانی، مورد هجوم و غارت فراگیر قرار گیرد. این مهم در اندک زمانی منجر به نابودی شهر و جابه‌جایی یکی از کانون‌هایی قدرت سیاسی و اقتصادی به شهرهای جنوبی‌تر نظیر شهر بهبهان شد. بی‌تردید، این رویداد نقش مهمی در خارج ساختن دهدشت از ردیف شهرهای پویای اقتصادی و مسیرهای تجاری داشته است.

واژگان کلیدی: کهگیلویه و بویراحمد، شهر دهدشت، دفاع غیرعامل، فروپاشی، دوران صفویه و قاجار.

## مقدمه

در علوم گوناگون، تعاریف متعددی از دفاع غیرعامل ارائه شده که به تناسب ماهیت و کارکرد حوزه‌های علمی، از اهمیت و جایگاه متفاوتی برخوردار است. در تعریفی جامع و کلی، دفاع غیرعامل به کلیه اقدامات احتیاطی به منظور به حداقل رساندن تأثیرات اجرایی خصمانه دشمن گفته می‌شود که در آن از هیچ‌گونه ابزار تسلیحاتی استفاده نمی‌شود (میراحمدی و یادگارزاده، ۱۳۸۹: ۱۵). در این حوزه، اقدامات احتیاطی در دو بخش کلی، وظیفه عمده برخورد با مخاطرات را برعهده دارند که عبارت‌اند از: دفاع غیرعامل طبیعی و دفاع غیرعامل مصنوعی که در مرحله اول، استقرار بر روی ارتفاعات، موضع‌گیری پشت رودخانه‌ها و هم‌چنین قرارگیری در مکان‌های متراکم دارای اولویت راهبردی است. در مرحله بعدی، ساخت و ایجاد فضاهای حفاظتی و دفاعی نظیر برج و بارو، دژ، خندق و استحکامات، بخش‌های دیگر دفاع غیرعامل مصنوعی را تشکیل می‌دهد (اصغریان جدی، ۱۳۷۴: ۳۲۵). این نوع عملیات نظامی در فرایند حمله دشمن نیازی به دخالت انسانی ندارد یا به حداقل دخالت نیازمند است و هدف آن کاستن از خسارات ناشی از عملیات مستقیم نظامی با نیروهای دشمن، کاهش توانایی دشمن در شناسایی مواضع حساس و تحمیل هزینه بیشتر به حملات آفندی نیروهای مهاجم است.

آنچه به عنوان ارکان اساسی دفاع غیرعامل مطرح است بیش‌تر تحت تأثیر شرایط مکانی و زمانی است و همواره این مؤلفه‌ها، بنا به شرایط موجود و سهم هر یک متناسب با نقش‌شان، شرایط متغیری دارند. اگر بخواهیم ارکان اساسی این نوع دفاع احتیاطی را برشمرد می‌توان به هفت مؤلفه اشاره کرد: الف) استتار، ب) اختفا، ج) پوشش، د) جدایی و پراکندگی، ه) فریب، و) مقاومت‌سازی و استحکامات، ز) اعلام خیر (فرزاشاد، ۱۳۸۶: ۸۷).

در تاریخ معماری و شهرسازی ایران، توجه به مؤلفه‌های دفاع غیرعامل یکی از اولویت‌های مهم حاکمان و سیاستمداران به شمار می‌رفته است. نخستین تجربه تاریخی استفاده از این گونه دفاعی، به حفاظت انسان از استقرارگاه‌های خویش در دوران پیش از تاریخ بازمی‌گردد. انسان در گذشته‌های دور، به درستی، درکی منطقی از شرایط محیطی اطراف خویش داشت؛ به طوری که با در نظر گرفتن عوامل جغرافیایی و طبیعی اولین سکونت‌گاه‌های خویش را درون اشکفت‌ها و غارها با هدف جلوگیری از حمله حیوانات وحشی قرار داد. پس از اندک زمانی، به ساخت اتاق‌های کوچک و محصور نمودن آن‌ها پرداخت (موحدی‌نیا، ۱۳۸۶؛ بلوشر، ۱۳۶۳). در دوران‌های تاریخی، بنا به شکل‌گیری و تنوع پیچیدگی‌های اجتماعی، شیوه‌های دفاعی، گسترش چشم‌گیری یافت و اشکال گوناگونی از تدابیر دفاعی مورد استفاده قرار گرفت. مهم‌ترین نمونه بارز آن، ساخت دژها و شهرهای نظامی است که در بخش‌های وسیعی از جغرافیای سیاسی ایران پراکنده‌اند. براساس شواهد باستان‌شناختی، روند رشد این گونه معماری از دوره حکمرانی حکومت ماد آغاز می‌شود (گرنی، ۱۳۷۵؛ مشهدی‌زاده دهقانسی، ۱۳۷۴). در دوره امپراتوری ساسانی و

متعاقب آن در دوران اسلامی، اهداف و مؤلفه‌های دفاع غیرعامل به شکل جدی‌تری پیگیری گردید. بازتاب این اندیشه دفاعی، در شواهد استحکامات دفاعی نظیر قلاع و برج‌های دیده‌بانی در مناطق مختلف ایران قابل مشاهده است که از آن جمله می‌توان به قلعه دختر فیروزآباد فارس، قلعه دختر کرمان، قلعه یزدگرد و ساخت شهرهای با ساختار دفاعی مانند گور (فیروزآباد) و تیسفون اشاره کرد (کریستین‌سن، ۱۳۸۲: ۲۷۷-۲۷۵). در دوره اسلامی نیز نشانه‌های تاریخی حضور این نوع دفاع، در ساخت گسترده و فراگیر قلاع اسماعیلیه در نقاط مختلف ایران از مناطق شرقی تا غربی قابل مشاهده است (ویلی، ۱۳۸۶: ۱۱۲-۶۸).

بی‌تردید، ضرورت پرداختن به موضوع راهبردی دفاع غیرعامل در شهرهای تاریخی ایران، پژوهشی نوین است که در مطالعات تاریخی و باستان‌شناسی تا به امروز درباره آن تحقیق مستقلی صورت نگرفته است. بنابر آن‌چه اشاره شد، تجربه‌های تاریخی شهرسازی ایرانی در بیش‌تر موارد منطبق بر اصول دفاعی و ساختار امنیتی است. در حالی که این مهم در شهر مورد مطالعه (دهدشت) ماهیتی معکوس داشته است؛ به طوری که شهر با ساختاری بی‌دفاع و فاقد اصول اولیه دفاعی در دوره صفویه ساخته شد و بارها مورد غارت قرار گرفت. فروپاشی چند باره شهر دهدشت در دوره‌های مختلف تاریخی، نگارندگان را بر آن داشت تا علاوه بر تحلیل عوامل سیاسی و شرایط اقتصادی که نقش مهمی در فرایند سه‌گانه شکل‌گیری، گسترش و فروپاشی شهر داشته‌اند، به بررسی متغیرهای مؤثر دیگر بپردازند. تحقیق حاضر تلاش دارد به این پرسش پاسخ دهد که با توجه به آگاهی بنیان شهر دهدشت از ضرورت ایجاد امنیت سیاسی و اقتصاد برای این شهر، به چه دلیل یا دلایلی متغیرهای دفاع غیرعامل مورد توجه قرار نگرفت؟ در پاسخ به این پرسش این فرض مطرح است که به دلیل عدم استفاده مناسب و صحیح از دو اصل جدایی و پراکندگی، شهر در شش مقطع زمانی دچار آسیب جدی شده است.

## روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع روش توصیفی و تحلیل تاریخی است. در گردآوری اطلاعات، از منابع تاریخی دست اول و تحقیقات محققان معاصر استفاده شده است. هم‌چنین از عکس‌های هوایی منطقه و نیز پیمایش سطحی (بررسی میدانی) در شهر دهدشت بهره گرفته است. در تحلیل یافته‌ها، مقایسه تطبیقی میان بقایای باستان‌شناختی و معماری با عکس‌های هوایی منطقه و منابع تاریخی انجام شده است.

## موقعیت جغرافیایی شهر دهدشت

دهدشت، مرکز شهرستان کهگیلویه و یکی از شهرستان‌های استان کهگیلویه و بویراحمد است. امروزه، این شهر از شمال به منطقه باغملک، ایذه و بویراحمد، از جنوب به شهرستان‌های گچساران و بهبهان، از غرب به شهرستان رامهرمز و از شرق به شهرستان‌های بویراحمد، نورآباد ممسنی و گچساران محدود است (تصویر شماره ۱).

آن چه از منابع یادشده می‌توان استنباط نمود این است که تا برآمدن حکومت صفاریان، فرمانروایی منطقۀ موسوم به بلاد شاپور در دست گیلویه یا کیلویه بوده است. پس از آن، در دورۀ سلجوقی، لر بزرگ که ناحیه‌ی تحت حکومت خود را به یک دولت شکوفا تبدیل نموده بود، کوه گیلویه را توسط سنقر سلغری (۵۵۶-۵۴۳ ه.ق) به اتابک ابوطاهر (۶۰۰-۵۴۳ ه.ق) به‌عنوان پاداش خدماتی که برای مبارزه در برابر حکومت محلی شبانکاره‌ای انجام داده بود، واگذار نمود. از این زمان تا پایان دوران مغول، جومه مرکز اصلی بلاد شاپور و پس از آن دهدشت، به‌عنوان مرکزیت سیاسی شناخته شده است (گابوه، ۱۳۵۹: ۲۵۶).

نخستین اشاره‌های تاریخی در باب موجودیت واقعی شهر دهدشت مربوط به عصر سلطنت شاه محمد (۹۹۵-۹۸۵ ه.ق) است که در آن دوره، دهدشت مقر فرماندهی کوه گیلویه به‌شمار می‌رفت (افوشته‌ای نطنزی، ۱۳۷۳: ۱۱۹). در این دوره، دهدشت حاکم‌نشین ایالت کوه گیلویه بوده است (پیشین). بر اساس منابع مکتوب، به نظر می‌رسد توسعه و تکامل تدریجی این شهر و حومه آن تا پایان دورۀ صفویه در دو مرحله رخ داده است:

الف) دوران شکل‌گیری آن تحت قیمومیت قبایل افشار، دوران گسترش در عصر سلطنت شاه عباس اول (۱۰۳۸-۹۶۶ ه.ق): در این دوره، قدرت سیاسی قبایل افشار رو به زوال گذاشت و سرزمین کوهستانی کوه گیلویه ارتباط مستحکم با حاکمیت مرکزی برقرار کرد. در همین هنگام، جاده اصفهان، پل‌ها و کاروان‌سراهایی در مسیر منتهی به شهرهای اطراف ساخته شد (گابوه، ۱۳۵۹: ۱۵۴-۱۵۳). نظر به این که این قصبه بین سه شهر شیراز، اصفهان و شوشتر و هم‌چنین در نزدیکی دریای فارس قرار داشت، کاروان‌ها با کالاهای تجارتنی از هند و اروپا به دهدشت می‌آمدند و این کالاها از آن‌جا به نقاط دیگر کشور ارسال می‌شد (حسینی فسایی، ۱۳۷۸: ۱۴۹۹-۱۴۸۵). بنابراین، دهدشت از شهرهای ترانزیتی عصر صفوی محسوب می‌شد که در آن سوداگری (واسطه‌گری)، ماهیت اصلی تجارت به‌شمار می‌رفت. ج) دوران فترت: از آن‌جا که دهدشت در ابتدا به‌وسیله قبایل افشار اداره می‌شد و در دورۀ صفویه از اهمیت فراوانی در تجارت منطقه‌ای برخوردار شد، همواره در برابر آسیب‌های ناشی از طمع‌ورزی بسیاری از حاکمان و افراد سودجو و فرصت‌طلب قرار داشت. تا آن‌جا که شهر دهدشت به واسطه شورش‌ها و جنگ‌های قومی و قبیله‌ای و نیز در برخی ترمدها از حاکمیت مرکزی، زمینه‌های ناراضی مردم را به‌وجود آورد که این مهم در نهایت منجر به تخریب شهر و تخلیه ساکنان آن شد (دموریتی، ۱۳۷۵). برخی سیاحانی که در عصر صفویه به اصفهان مسافرت نمودند به این امر اشاره داشته‌اند و از فروریختگی دیوارهای باروی شهر و هم‌چنین ورود و خروج گاه و بیگاه افراد به درون و بیرون شهر از رخنه‌های ایجاد شده در دیوار یاد نموده‌اند (کاری، ۱۳۸۳: ۷۹-۷۸).

گاه‌شماری شورش‌های شش‌گانه شهر دهدشت حاکی از آن است که سه شورش مربوط به عصر صفویه - یکی در اوایل عصر صفوی و دو مورد در اواخر عصر صفویه، یک مورد در دورۀ زندیه و دو مورد



تصویر شماره ۱: موقعیت شهرستان کهگیلویه، مأخذ: پورتال استانداری کهگیلویه و بویراحمد

این شهر در دورۀ صفویه و قاجاریه یکی از شهرهای مهم جنوب غربی ایران بود که در برخی متون تاریخی از آن به‌عنوان حاکم‌نشین کوه گیلویه یاد نمودند. آن چه از متون تاریخی و جغرافیایی قرون اولیه و گاه میانی دوران اسلامی روشن است این است که، هیچ اشاره‌ای به وجود چنین شهری در بازه زمانی قرن اول تا نهم هجری قمری نشده است. ولی موجودیت منطقه‌ای که به بلاد شاپور حد فاصل میان فارس و خوزستان، مشهور بوده، گواهی بر وجود ناحیه رم گیلویه داشته است. به‌طور مثال استخری در این باره نوشته است:

«یکی از پادشاهان روم که همیشه از یک تا سه هزار نفر بر در خانه‌های ایشان لشکر حاضر است مهرگان پسر روزبه پادشاه زمیگان است و آن رمی است که به رم گیلویه مشهور شده و مهرگان پیش از گیلویه بوده و شأن و شوکتی از گیلویه بالاتر داشته. پس از مهرگان برادرش سلمه به جای او نشست. گیلویه که از مردم خمایگاه از ولایت اصطخر است نزد او آمد و به خدمتگزاری پرداخت چون سلمه بمرد گیلویه آنجا را تصرف کرد و کارش به جایی رسید که این سرزمین را به نام او می‌خوانند و بزرگی او چنان شد که با خاندان ابودلف رقیب گردید و معقل بن عیسی برادر ابودلف را بکشت و چون ابودلف خبردار شد آهنگ او نمود و او را گرفته سرش را جدا کرد تا روزی که دوره ابودلف سپری گشت این سر نزد ایشان بود و در جنگ‌ها آنرا بالای نیزه نموده و جلوی لشکر می‌کشیدند و کاسه آن را نقره گرفته بودند. چون احمد بن عبدالعزیز در زرقان از دست عمرو لیث شکست خورد سر گیلویه بدست عمرو افتاد، ریاست این رم تاکنون در خاندان گیلویه است» (استخری، ۱۳۷۷: ۹۸).

مقدسی نیز در گزارشی مشابه استخری به منطقه بلاد شاپور یا بلاد ساپور آورده است که شاپور پسر فارس، آن را بر دیگر شهرها، که در خراسان و خوزستان آباد کرده بود، ترجیح داد و همان‌جا درگذشت (مقدسی، ۱۳۶۱: ۵۸۱ و ۶۳۵). در نوشته‌های دیگر مورخان سده‌های میانه نیز ناحیه بلاد شاپور بین فارس و خوزستان دانسته شده که بسیار پرجمعیت و مشهور به ناحیه رم گیلویه بود و جزو پنج رم کردان پارس به‌شمار می‌رفت (ابن بلخی، ۱۳۵۴: ۳۰؛ مستوفی، ۱۳۶۴: ۱۰۰-۹۱).

دیگر در عصر قاجار اتفاق افتاده است. نخستین شورش مربوط به سال‌های ۹۹۲-۹۸۶ ه.ق است که توسط شاه اسماعیل دروغین یا قلندر شاه رهبری شد. این شورش از قریه آرند شروع و به شهر دهدشت رسید (افزوسته‌ای نطنزی، ۱۳۷۳: ۱۱۷). در سال ۱۱۳۵ ه.ق حمله سپاهیان افغان به شهر دهدشت منجر به تخلیه مردم شهر و گریختن آن‌ها به کوهستان‌های اطراف شد. راه‌های ارتباطی قطع شد و قحطی، شهر و نواحی اطراف آن را در بر گرفت. ساکنان شهر دهدشت به مدت چندین ماه از خانه و کاشانه خود آواره بودند و این امر تا زمان شکست نیروهای محمود افغان در بهبهان و پیامد آن با عقب‌نشینی، ادامه یافت (مجیدی، ۱۳۷۸: ۱۴۸). سومین شورش که در این شهر رخ داد و موجب ایجاد ناامنی بیش‌تر گردید، ماجرای صفی میرزا است که در آن فتنه، وی خود را شاه طهماسب، پسر سلطان حسین صفوی، معرفی کرده بود. او پس از چند سال زندگی در میان قوم بختیاری دامنه حاکمیت سیاسی خود را تا شهر دهدشت گسترش داد. صفی میرزا در نهایت شهر دهدشت را به‌عنوان مقر حکومت خویش برگزید. وی مقدمات پادشاهی خویش را در این شهر فراهم ساخت تا این‌که شاه طهماسب حقیقی، پسر سلطان حسین صفوی، از این مسئله مطلع شد و با ارسال نامه‌ای به سران ایلات کهگیلویه و بختیاری، انتساب صفی میرزا به خاندان صفوی را تکذیب نمود. سرانجام مردم با اطلاع از این ماجرا و پس از چهار سال (سال ۱۱۴۰ ه.ق) وی را به عمال حکومت صفوی تسلیم کردند (حسینی استرآبادی، ۱۳۶۶: ۴۴۳؛ جزایری شوشتری، ۱۳۸۷: ۴۷۸). در ادامه شورش‌ها و در سال ۱۲۰۰ ه.ق حکومت مرکزی زندیه، در میان نابسامانی و مشکلات عدیده داخلی، طوایف کهگیلویه دهدشت را مورد حمله و غارت قرار داد (اقتداری، ۱۳۵۹: ۳۲۴). مؤلف فارسنامه ناصری درباره این رخداد تاریخی نوشته است:

«در زمان آشفتگی سلاطین زندیه، الوار چهار بنیچه کهگیلویه، این قصبه معمور (دهدشت) را غارت کرده و اهالی آنرا متفرق نمودند و برای آنکه در شهرها معامله و داد و ستد داشتند، هر کس به مناسبتی در شهری قرار گرفت و در کمتر شهری است که جماعتی از شهر دهدشت متوطن نباشد» (حسینی فسایی، ۱۳۷۸: ۱۵۶۰). با این توصیف و با هجوم همه‌جانبه عشایر چهار بنیچه، دهدشت از سکنه خالی شد و اموال ساکنان شهر به غارت رفت و اهالی هر کدام رهسپار شهر و دیار دیگری شدند. در عصر قاجار، خصوصاً دوره حکمرانی فتحعلی شاه و محمد شاه، تلاش‌هایی برای آبادانی دهدشت صورت گرفت، ولی اثربخش نبود. در سال ۱۲۸۵ ه.ق حکومت به نواب اشرف والا و احتشام‌الدوله سلطان مراد میرزا رسید (سیاهپور، ۱۳۸۶: ۱۳۸-۱۱۳). در فارسنامه ناصری رخداد سال ۱۲۸۱ ه.ق چنین آمده است:

«در تمام قصبه دهدشت ساکن داری و نافخ ناری نبود و از اهتمام نواب معزی الیه تا ۱۲۸۵ ه.ق نزدیک پانصد خانوار در دهدشت ساکن بوده‌اند و بنای تجارت را گذاشتند و چندین کاروان متاع به اصفهان رسانیدند» (حسینی فسایی، ۱۳۷۸: ۱۴۸۸).

آخرین حضور جدی دهدشت در حیات سیاسی و اجتماعی ایران مربوط به عصر قاجار و دوره حکمرانی احتشام‌الدوله بر کهگیلویه بوده است که از طرف ناصرالدین شاه قاجار بر این نواحی حکومت می‌کرد. در سال ۱۲۹۱ ه.ق، که احتشام‌الدوله مجدداً به حکومت کهگیلویه و بهبهان منصوب شد، در آبادانی قصبه دهدشت کوشید (پیشین: ۱۴۸۹-۱۴۸۸). همان‌طور که ملاحظه می‌شود پس از غارت شهر دهدشت، در سال ۱۲۰۰ ه.ق، حداقل یک‌بار دیگر توسط کوه‌نشینان غارت و متروکه شد. به این ترتیب و با احتساب آخرین باری که شهر دهدشت دستخوش حمله و ویرانی متعاقب آن گردید، طی قریب چهار صد سال، دهدشت، شش بار مورد آسیب هجوم ویرانگر و در نتیجه اشغال و غارت همگانی قرار گرفت.

### بررسی مؤلفه‌های دفاع غیرعامل و عدم به‌کارگیری صحیح آن در روند شهرسازی شهر دهدشت

با توجه به هدف و پرسش تحقیق حاضر، تمرکز مطالعات بر فروپاشی شهر و تحلیل عدم به‌کارگیری مناسب و کارآمد از مؤلفه‌های دفاعی بوده است. بر این اساس، چهار اصل مقاوم‌سازی و استحکامات، پوشش، جدایی و اصل اعلام خبر، از جمله اصولی است که در ذیل به آن پرداخته شده است.

**الف) اصل مقاوم‌سازی و استحکامات:** یکی از مؤلفه‌های اصلی دفاع غیرعامل مصنوعی در شهرهای تاریخی ایران، مقاوم‌سازی و ساخت استحکامات دفاعی برای ایجاد امنیت جانی و مالی ساکنان شهر بوده است. بر اساس تفسیر عکس‌های هوایی (سال ۱۳۳۸)، این شهر دارای حصار و برج و باروهای متعدد بوده است (تصویر شماره ۲).

هم‌چنین می‌توان گفت که این شهر براساس الگوی ترکیبی از شهرهای متمرکز دوره صفویه ساخته شده است (تصویر شماره ۳). شهر در دشتی مسطح و هموار ایجاد شده که تپه ماهورهای نسبتاً کم ارتفاعی، بخش‌های جنوبی و شرقی، آن را در بر گرفته است و در جنوب آن، صخره آهکی کم ارتفاعی حد گسترش جنوبی شهر قلمداد می‌شده است. هرچند بر اساس عکس هوایی موجود، دامنه حصار شهر هرگز به تپه‌ها و صخره آهکی منتهی نشده بود، ولی برخی سازه‌های متناظر با دفاع غیرعامل قابل مشاهده است. از جمله این سازه‌ها برجک دیده‌بانی است که بخش جنوبی، غربی و در مواردی پهنه وسیع شمالی شهر را پوشش می‌داد (تصویر شماره ۴). البته با این‌که عکس هوایی موجود از شهر دهدشت در دوره صفویه و بعد از آن نشانگر وجود دیواری به گرد شهر است، لیکن برخی محققان به این موضوع اشاره داشته‌اند که در عین حکم‌فرمایی مناسبات شهری، دهدشت فاقد استحکامات دفاعی بوده است. شایان گفتن است که در دوره زمامداری شاه سلطان حسین (۱۱۰۵-۱۱۳۵ ه.ق)، ابتدا قسمتی از جمعیت ساکن شهر به مناطق دیگر مهاجرت کردند. پس از آن بود که شبکه جاده‌های مرتبط به آن آسیب جدی دید (Lockhart, 1958: 48). گاو به نقل از استوکلر، که دهدشت را شهری ویران در میان یک دیوار توصیف

کرده بود (Stocqueler, 1832: 212) به دیده تردید نگریست و بر این باور بود که چون آثاری از دیوار مشاهده نمی‌شود، در نتیجه دیواری دورادور شهر را احاطه نکرده بود (گاوبه، ۱۳۵۹: ۲۹۰). این در حالی است که تصویر عکس هوایی این موضوع را به طور قطعی مردود شمرده و شواهد موجود نشان‌دهنده این واقعیت است که بخشی از بقایای دیوار در قسمت‌های شمالی و شرقی شهر هنوز برجای مانده‌اند (تصویر شماره ۵). هم‌چنین در تأیید این فرض، استین از جمله محققانی است که بین سال‌های ۱۳۱۵-۱۳۱۴ ه.ش دهدشت را بررسی کرد و در بازدید از آن، بناهای عمده شهر را در میان دیوارها دیده است (Stien, 1938: 322).



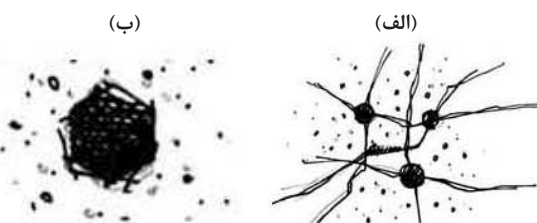
تصویر شماره ۲: تصویر هوایی شهر دهدشت، مأخذ: سازمان جغرافیایی ارتش، ۱۳۳۸

علی‌رغم آشکار بودن تصاویر عکس‌های هوایی و بررسی‌های میدانی نگارندگان، وجود دیوارها، نقش مؤثری در حفاظت از شهر ایفا نمی‌کرده است. به طوری که رخداد‌های تاریخی، گواهی بر این مدعاست. به طور مثال حسینی منشی (صاحب کتاب ریاض الفردوس خانی، ۱۰۸۲ ه.ق)، درباره کیفیت حمله اسماعیل دروغین به حصار دهدشت این‌گونه شرح داده است: «قلندر حصار دهدشت را محاصره نموده، بعد از مدتی که کار بر محصوران دشوار نمود، بگرفت» (حسینی منشی، ۱۳۸۵: ۴۱۶).

وی و دیگر مورخان این عصر (ترکمان، ۱۳۸۹: ۲۷۴؛ واله اصفهانی، ۱۳۷۲: ۶۴۳؛ حسینی استرآبادی، ۱۳۶۶: ۱۱۷؛ حسینی قمی، ۱۳۵۹: ۷۰۸) درباره باز پس‌گیری دهدشت از قلندر توسط قوای اعزامی دولت بدین‌گونه روایت کرده‌اند: «با محاصره دهدشت توسط اسکندرخان و دوراق خلیفه، مقاومت کوتاه قلعه‌داران در هم شکست و انتظام امور قلندر از هم گسست. با ورود نیروهای ذوالقدر و افشار به درون قلعه با نردبان، پایگاه قلندر سقوط نمود» (حسینی منشی، ۱۳۸۵: ۴۲۰).

در اشاره به این موضوع، ذکر دو عامل شایان ذکر است. نخست، فتح آسان قلعه است که با ذکر واژه نردبان اشاره مستقیمی به آسانی فتح قلعه داشته است. دومین عامل، جابه‌جایی کانون قدرت و محل درگیری‌هاست. زیرا اگر قلندر در منطقه آرند (محل شروع

قیام) که ناحیه‌ای کوهستانی است می‌ماند، سپاه دولتی به سختی می‌توانست آن را در محاصره بگیرد و امکان دفاع درازمدت را از او سلب نماید و این تغییر و جابه‌جایی در انتقال مرکز قدرت از کوهستان آرند به جلگه دهدشت، موجبات شکست وی را فراهم نمود (نواقب و روشنفکر، ۱۳۸۸: ۴۲).



تصویر شماره ۲: الف: شهر دوره صفوی ب: شهر متراکم، مأخذ: لینچ، ۱۳۸۴

**(ب) اصل پوشش:** در شهرهای تاریخی ایران، هرگاه شهری در بستر منطقه‌ای جلگه‌ای ساخته می‌شد، برای امنیت بیشتر ساکنان آن دورادور شهر دیواری قطور ساخته می‌شد و در میانه آن بعد از حصار، خندقی حفر می‌شد که به حفاظت بیشتر از شهر کمک می‌کرد (مجیدی و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۸). این در حالی است که در متون تاریخی هیچ اشاره‌ای به این نکته نشده و عکس‌های هوایی نیز، نشانه‌ای از وجود خندق به دور حصار شهر را تأیید نمی‌کند.

بر اساس شواهد برجای مانده معماری دفاعی شهر، بانیان شهر دهدشت در ایجاد شهر به همان اندازه که به مؤلفه‌های دفاع غیرعامل مصنوعی توجه نمودند، از مؤلفه‌های دفاع غیرعامل طبیعی غافل مانده‌اند. از آن جا که دهدشت در عصر صفویه یکی از کانون‌های تجاری شهرهای جنوبی ایران به شمار می‌آمد و قرارگیری شهر در یک جلگه صاف و هموار با نبود حفاظ طبیعی برای کاروانیان و تجار مخاطرات جدی به همراه داشت، نشان می‌دهد که شهرسازان عصر صفوی به این مسأله توجه زیادی نداشته‌اند. افزون بر این، عدم به‌کارگیری صحیح مؤلفه‌های دفاع غیرعامل نیز در دسترسی آسان دهدشت از طریق حملات نظامی یکی دیگر از مشکلات عدیده در فروپاشی این شهر به شمار می‌رود. دارا بودن برخی از ویژگی‌های خاص، نظیر قرارگیری در مسیر تجارت منطقه‌ای موجب شد که پس از هر بار ویرانی و غارت، شهر رونق مجدد خود را باز یابد. زیرا در دوره قاجار این شهر یکی از شهرهای تجاری و تأثیرگذار در فرایند مبادله کالا در جنوب ایران محسوب می‌شد. دهدشت در این دوره، نقش شهری واسطه‌ای را برای بنادر جنوبی ایران و اصفهان در مرکز ایفا می‌کرد. یکی از دلایل پویایی اقتصادی این شهر بیش‌تر به واسطه قرارگیری مکانی حد فاصل شهرهای شوشتر، شیراز و اصفهان بوده است (حسینی فسایی، ۱۳۷۸: ۱۴۸۸). ولی با توجه به برتری‌های جغرافیایی و مکانی (خاک حاصل‌خیز، آب فراوان و رونق تجاری) که در دوره‌های صفویه و قاجاریه مورد توجه حاکمان و سیاست‌گذاران قرار گرفت، به لحاظ رعایت اصول

دفاع غیرعامل مورد غفلت جدی واقع شد و نتیجه این امر، رخداد تحولات رشد و دوران فترت در تاریخ سیاسی، اجتماعی و اقتصادی شهر دهدشت است.



تصویر شماره ۴: برجک دیده‌بانی شهر دهدشت مأخذ: نگارندگان



تصویر شماره ۵: بخشی از دیوار دور شهر در شمال شرق شهر؛ مأخذ: نگارندگان

یادگارزاده، ۱۳۸۹: ۱۵). شکل شهر دهدشت حاکی از بافت شهری است که به صورت فشرده با خیابان‌های باریک به وجود آمده است (Stien, 1938: 322) که از این منظر در به کارگیری مؤلفه‌های پدافند غیرعامل نقطه قوتی محسوب می‌شود، ولی مؤلفه پراکندگی به کار گرفته شده در این شهر، نتیجه معکوس را به همراه داشته است. همان‌گونه که اشاره شد، فضای ارگ حکومتی شهر از بافت اصلی شهر جدا بود و هر کدام از این عناصر درون دیواری جداگانه ایجاد شده بودند. فاصله موجود بین این دو بخش زمینه‌های لازم را هنگام حمله دشمن فراهم می‌ساخت تا مدافعان شهری، هیچ‌گونه تمرکز و پوششی برای دفاع از این نقطه شهر نداشته باشند. در شهرسازی ایران در دوران اسلامی، معمولاً ارگ حکومتی به عنوان مرکز فرماندهی شهر در میان دیگر ساختمان‌های شهر و بر فراز بلندی قرار داشت و در کنار دیگر فضاهای شهری چون شارستان و ربض، در مواقع حساس نقش محوری و تعیین کننده ایفا می‌کرد (رضوی، ۱۳۸۷: ۱۰۵). شکل‌گیری این نوع ساختار موجب حفاظت هرچه بیشتر از ساختمان ارگ و ساکنان آن در مقابل حملات دشمن می‌شد. در نتیجه می‌توانستند مدت زمان بیشتری در مقابل حمله یا محاصره دشمن از شهر دفاع کنند. در صورتی که ارگ دهدشت بر عکس ساختار سنتی و فراگیر شهرهای ایرانی، نمونه منحصربه‌فردی محسوب می‌شود که در آن ارگ با فاصله زیادی از مرکز شهر و در بخش شرقی، در حصار مجزا سازمان یافته بود که در درازمدت مهم‌ترین عامل فروپاشی سیاسی شهر دهدشت شد؛ به طوری که رخدادهای تاریخی و عدم حمایت‌های مردم شهر، به علت دوری از ارگ حکومتی، موجب شکست ارگ‌نشینان در چندین مرتبه شد.

جغرافیای طبیعی دهدشت نشان‌دهنده موقعیت آن در اقلیمی نسبتاً گرم و خشک است که در جلگه‌ای حاصل‌خیز قرار گرفته است. بنیانگذاران شهر برای تأمین آب به روش‌های متعددی متوسل می‌شدند. حفر چاه، شبکه‌بندی آب‌های حاصل از نزولات جوی، حمل برف از کوه‌های اطراف و انبار نمودن آن‌ها و هم‌چنین استفاده از سیستم قنات از رایج‌ترین روش‌های تأمین آب ساکنان شهر به شمار می‌رفت. چاه دلاور که در فارسنامه ناصری نیز از آن به‌عنوان گاوچاه یاد شده است، در ضلع شرقی شهر در عصر صفویه حفر شد و تا به امروز نیز از آن برای کشاورزی استفاده می‌شود. درون خانه‌ها نیز چاه‌هایی وجود داشت که آبی تلخ و ناگوار در آن جریان داشت (حسینی فسایی، ۱۳۷۸: ۱۴۸۸). در نتیجه، شهر نیاز مبرمی به آب آشامیدنی داشت. این نیاز از طریق حمل برف کوه‌های اطراف در اواخر بهار و انبار نمودن آن‌ها (احتمالاً در آب‌انبار بزرگ ضلع شرقی) پاسخ می‌گرفت (پیشین). همان‌گونه که در عکس‌های هوایی دیده می‌شود، آب انبار یاد شده درون هیچ‌کدام از دو دیوار یاد شده (دیوار ارگ و دیوار شهر) نبوده است و در فاصله نسبتاً دوری از شهر داشت و در ابتدای یک دره واقع شده بود (تصویر شماره ۶). واقع شدن آب‌انبار درون این دره، به لحاظ جمع‌آوری آب‌های حاصل از نزولات جوی، مکانی بسیار مناسب قلمداد می‌شد، ولی فاصله نسبتاً دور آب‌انبار از شهر و ارگ موجب می‌شد تا در زمان

ج) اصل جدایی و پراکندگی: طبق عکس هوایی شهر دهدشت (سال ۱۳۳۸)، ساختار کالبدی شهر ترکیبی از الگوی شهرهای مترکیم عصر صفویه را به نمایش می‌گذارد (تصویر شماره ۳). شهر از دو بخش مجزا تشکیل شده که در این تحقیق، از آن به بخش‌های شرقی و غربی یاد می‌کنیم. بخش شرقی شامل ارگ حکومتی و خارج از حصار شهر شامل آب‌انباری متروکه است. بخش غربی هم از عناصر شهری اعم از بازار، مسجد، کاروان‌سرا و حمام تشکیل شده که حصار به دور آن کشیده است. به این ترتیب شهر اصلی با تمامی عناصر شهری و نیز ارگ حکومتی داخل دو دیوار مجزا از هم آرایش یافته بودند. اصل جدایی و پراکندگی در دفاع غیرعامل، یکی از مؤلفه‌هایی است که پیوندی نزدیک با شکل شهر دارد. از این مؤلفه به صورت جدی در کاستن از خسارات وارده به عناصر شهری استفاده می‌شود که مهم‌ترین آن چگونگی آرایش مکانی و پراکندگی تأسیسات و تجهیزات مهم شهری است که دشمن در تشخیص، هدف‌یابی و در نتیجه نفوذ به این نقاط کلیدی وقت بیشتری صرف می‌نمود و متحمل وقت زیادی در شناخت آن می‌شد (میراحمدی و

حمله دشمن، از آن به عنوان ابزاری استراتژیک استفاده کند. منظور از این ابزار، قطع نمودن آب شهروندان دهدشت و قلعه‌نشینان آن نیست، بلکه در حقیقت کاربرد و استفاده آسان و راحت از آب آشامیدنی برای سپاهیان دشمن است که به شهر هجوم می‌آوردند یا شهر را در محاصره قرار می‌دادند.



تصویر شماره ۶: آب‌انبار شهر تاریخی دهدشت، مأخذ: نگارندگان

سامانه قنات در بخش شمالی شهر نیز از دو جنبه قابل بررسی است. در ساعات اولیه محاصره شهر توسط نیروهای متخاصم، ساکنان شهر می‌توانستند از طریق چاه‌های خانگی به سامانه آبراهه‌های قنات به بیرون از حلقه محاصره راه یابند (ستوده، ۱۳۴۰: ۳۵۳) که در موارد مشابهی این امر صورت پذیرفت (مناف‌پور، ۱۳۷۱: ۳۲). احتمالاً در زمان حمله افغان‌ها عده زیادی از مردم شهر از طریق همین سامانه به بیرون از شهر فرار کردند و به شهر بهبهان در جنوب پناهنده شدند (حسینی‌فسایی، ۱۳۷۸: ۵۰۳). سامانه قنات می‌توانست در هنگام اشغال شهر توسط دشمن، به عنوان مسیر ارتباطی به بیرون و درون شهر ایفای نقش نماید (میراحمدی و یادگارزاده، ۱۳۸۹: ۱۹). از طرف دیگر هنگامی که دشمن این مسیر را، بیرون از حصار شهر، شناسایی می‌کرد، راه یافتن به درون حصار شهر بسیار آسان می‌شد و حتی با مسموم ساختن بخشی از آب شهر که دیگر امکان تهیه آن از بیرون وجود نداشت به برخی مقاصد خود به لحاظ نظامی دست می‌یافتند.

**د) اصل اعلام خبر:** یکی دیگر از اصول دفاع غیرعامل که در شهرهای ایرانی کاربرد فراوانی داشت، اصل اعلام خبر است. این اصل شامل اعلام خبر نزدیک شدن نیروهای مهاجم است که از چند روز تا چند ساعت قبل از رسیدن آن‌ها صورت می‌پذیرفت (فرزاشاد، ۱۳۸۶: ۸۷). شواهد معماری موجود در شهر دهدشت برای اثبات حضور مؤلفه اعلام خبر، وجود اتاقک نگهبانی مستقر بر صخره نسبتاً کم ارتفاع ضلع جنوبی شهر است که نگارندگان طی بررسی‌های پیمایشی در تپه‌های اطراف شهر موفق به ثبت و مستندنگاری آن شده‌اند (تصویر شماره ۴). این برجک بخشی‌هایی از غرب، جنوب و شمال را به لحاظ دیده‌بانی پوشش می‌داد. فاصله تقریبی شعاع پوششی این برجک از محل استقرار دیده‌بان از سمت جنوب ۵ کیلومتر، از شمال بین ۵ تا ۷ کیلومتر و از غرب در حدود ۸ کیلومتر است. فاصله نسبتاً کم از جنوب و عدم دید کافی به سبب وجود تپه‌ماهورهای فراوان و هم‌چنین عدم پوشش دیده‌بانی از شرق موجب می‌شد تا حملات انجام شده به شهر از این بخش ناگهانی و غافلگیرانه باشد. همان‌طور

که در دوره حکمرانی قلندر بر دهدشت، هنگام خبر رسیدن نیروهای دشمن (احتمالاً از جنوب و شرق) وی در چمن مجد، در نزدیکی دهدشت، به عیش و نوش مشغول بود (حسینی‌منشی، ۱۳۸۵: ۴۱۹-۴۲۰) و به لحاظ تاکتیک نظامی فرصت آن را نیافت تا به سازمان‌دهی نیروهای خود بپردازد. حمله اقوام چهار بنیچه و در نتیجه غارت شهر در دوره زندیه (سال ۱۲۰۰ ه.ق) نیز، بر اساس عدم رعایت اصل اعلام خبر توسط محافظان شهر رخ داد.

### نتیجه‌گیری

شهر دهدشت یکی از شهرهای پر رونق تجاری جنوبی ایران، در دوران صفویه و قاجار به شمار می‌رفت. در این تحقیق با تمرکز بر سنجش اصول دفاع عامل در شهر دهدشت، مؤلفه‌هایی نظیر ساخت استحکامات، پوشش، پراکندگی و اعلام خبر مورد ارزیابی قرار گرفت. نتایج به دست آمده از طریق تفسیر عکس‌های هوایی و تطبیق آن با شواهد منابع تاریخی و مستندات معماری و باستان‌شناختی برجای مانده از شهر نشانگر آن است که بنیان و حامیان شهر دهدشت از دوران صفویه و قاجار به دلیل عدم استفاده صحیح از اصول پدافند غیرعامل در معماری و شهرسازی، شش بار ویرانی و تخریب بافت شهری را تجربه نموده‌اند. شواهد تاریخی نشانگر این موضوع است که فروپاشی شهر در شش دوره زمانی بر اثر عامل انسانی و از طریق شورش‌های قومی و قبیله‌ای رخ داده است. دو شورش در دوره صفویه، یک شورش در دوره زندیه و دو بار در دوره قاجاریه که فصل مشترک آن‌ها در غارت و ویرانی شهر، فقدان شکل‌گیری و رعایت اصول دفاع غیرعامل بوده است. برخی از اصول رعایت نشده در این شهر عبارت‌ند از اصل جدایی و پراکندگی که مصداق روشن آن پراکندگی بافت شهری و فاصله داشتن حوزه سیاسی شهر (ارگ حکومتی) از بافت اصلی شهر (مسجد جامع، بازار و محله‌های شهری) بوده است. این مهم نقش اصلی در عدم تمرکز و حمایت‌های مردمی در برابر مهاجمان ایفا می‌کرد. اصل اعلام خبر به دلیل فاصله نسبتاً کم برجک نگهبانی از جنوب و عدم دید کافی به سبب وجود تپه‌ماهورهای فراوان و هم‌چنین عدم پوشش دیده‌بانی از شرق موجب گردید که حملات انجام شده به شهر، ناگهانی صورت گیرد. به نظر می‌رسد، نبود برنامه‌ریزی کلان در شهرسازی دهدشت در عصر صفویه و نیز عدم تأمین امنیت کافی برای تجارت و امنیت اقتصاد شهری موجب شد تا شهر دهدشت همواره آسیب فراوانی ببیند. این شهر پس از هر دوره اشغال، دوباره رونق خود را باز می‌یافت؛ این در حالی بود که هر بار اهمیت آن نسبت به دوره پیشین کاسته می‌شد. بی‌تردید این امر ناشی از نبود فضای امن اجتماعی برای حضور و سکونت دائمی مردم بود و پیامد آن را می‌توان کاهش جمعیت شهری به شمار آورد. در نتیجه عدم رعایت اصول پدافند غیرعامل در بنیان‌گذاری دهدشت، موجب شد تا علاوه بر غارت و تخریب شهر، نواحی اطراف آن نیز دچار تغییراتی گردند و شهر بهبهان در کانون توجه حاکمان قرار گیرد. حتی راه‌های ارتباطی و بازرگانی نیز در این دوره، به لحاظ انتخاب مسیر، دچار تغییرات اساسی شد و شهر دهدشت عملاً از چرخه شهرهای تجاری و بازرگانی خارج گردید.

## بی‌نوشت‌ها

۱. از نحوهٔ چگونگی گرفتن شهر به دست صفی میرزا اطلاعی در دست نیست.
۲. «آرند در درهٔ کوهی واقع است و کوه‌های بلند البرز مانند پیرامان آن موضع سر به فلک کشیده و آن قریه دو راه دارد که سوار در غایت صعوبت به آنجا می‌تواند رفت و در هریک از آن دو راه که سه کماندار و تفنگچی نشینند، از چهار جهت مرغ گذار نمی‌تواند کرد» (افوشته‌ای نطنزی، ۱۳۷۳: ۱۱۷).
۳. امروزه دکلی که صدا و سیما ایجاد کرده، بخشی از برجک نگهبانی را آسیب جدی زده است.

## فهرست منابع و مراجع

۱. ابن بلخی (۱۳۵۴)، **فارسانامه**، توضیح و تحشیه منصور رستگار فسایی، جلد نخست، انتشارات بنیاد فارس شناسی، تهران.
۲. افوشته‌ای نطنزی، محمودبن هدایت‌الله (۱۳۷۳)، **نقاوه الآثار فی ذکر الاخبار**، به اهتمام احسان اشراقی، چاپ دوم، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
۳. استخری، ابراهیم (۱۳۷۷)، **مسالک الممالک**، ترجمه محمد بن عبدالله تستری، انتشارات بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، چاپ دوم، تهران.
۴. اصغریان جدی، احمد (۱۳۷۴)، **دفاع غیرعامل در ارگ بم**، در اولین کنگره معماری و شهرسازی بم، انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور، (ج ۲)، صص ۳۳۱-۳۲۵.
۵. اقتداری احمد (۱۳۵۹)، **خوزستان، کهکیلویه و ممسنی**، انتشارات انجمن آثار و مفاخر ملی، (جلد سوم از مجموعه آثار خوزستان)، چاپ اول، تهران.
۶. بلوشر، ویرت (۱۳۶۳)، **سفرنامه بلوشر**، ترجمه کیکاوس جهاننداری، انتشارات خوارزمی، تهران.
۷. ترکمان، اسکندربیک (۱۳۸۹)، **عالم آرای عباسی**، به اهتمام ایرج افشار، انتشارات امیرکبیر، چاپ اول، تهران.
۸. ثواقب، جهانبخش و روشنفر، محمدمهدی (۱۳۸۸)، «نگرشی بر شورش شاه قلندر در عصر صفویه»، **پژوهش‌های تاریخی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان**، شماره ۱، صص ۵۰-۱۷.
۹. جزایری شوشتری عبدالله بن سید نورالدین (۱۳۸۷)، **تذکره شوشتری**، مقدمه تصحیح و تعلیقات مهدی کدخدای طراح، نشر تروا، چاپ اول، اهواز.
۱۰. حسینی استرآبادی، حسین بن مرتضی (۱۳۶۶)، **تاریخ سلطانی از شیخ صفی تا شاه صفی**، به کوشش احسان اشراقی، انتشارات علمی، چاپ دوم، تهران.
۱۱. حسینی قمی، قاضی احمد (۱۳۵۹)، **خلاصه التواریخ**، تصحیح احسان اشراقی، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۲. حسینی فسایی، میرزا حسن (۱۳۷۸)، **فارسانامه ناصری**، تصحیح منصور رستگار فسایی، انتشارات امیرکبیر، جلد ۲، چاپ دوم، تهران.
۱۳. حسینی منشی، محمد میرک بن مسعود (۱۳۸۵)، **ریاض الفردوس خانی**، به کوشش ایرج افشار و فرشته صرافان، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، تهران.
۱۴. دموریتی، ژ (۱۳۷۵)، **عشایر فارس**، ترجمه جلال‌الدین رفیع فر، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، تهران.
۱۵. رضوی، سیدابوالفضل (۱۳۸۷)، «نگرشی بر حیات شهری در ایران دوره اسلامی (از آغاز اسلام تا قرن هفتم م.ق)»، **مجله پژوهش‌های تاریخی دانشگاه سیستان و بلوچستان**، شماره ۱۳۴-۱۰۵.
۱۶. سازمان جغرافیایی ارتش (۱۳۳۸)، **تصویر هوایی شهر دهدشت**.
۱۷. ستوده، منوچهر (۱۳۴۰)، «استحکامات سرزمین ایران در دوره اسلامی»، **مجله مکتب تشیع**، شماره ۶، صص ۳۵۰-۳۴۸.
۱۸. سیاهپور، کشواد (۱۳۸۶)، «حکومت احتشام‌الدوله در کهکیلویه و بهبهان»، **فصلنامه تاریخ معاصر ایران**، سال ۱۱، شماره ۴۱، صص ۱۳۸-۱۱۳.
۱۹. کارری فرانچسکو جیوانسی جملی (۱۳۸۳)، **سفرنامه کاری**، مترجمان نخجوانی عباس و کارنگ عبدالعلی، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، چاپ دوم.
۲۰. فرازمشاد، مصطفی (۱۳۸۶)، **مبانی نظری معماری در دفاع غیرعامل**، انتشارات جهان جام جم، تهران.
۲۱. کریستین سن، آرتور (۱۳۸۲)، **ایران در زمان ساسانیان**، ترجمه رشید یاسمی، ویراسته دکتر حسن رضایی باغ‌بیدی، انتشارات صدای معاصر، تهران.
۲۲. گایه هانیس، (۱۳۵۹)، **ارجان و کهکیلویه (از فتح عرب تا پایان دوره صفویه)**، انتشارات انجمن آثار و مفاخر ملی، چاپ اول، تهران.
۲۳. گرنی، جان دی (۱۳۷۵)، **تحول شهر تهران در عهد ناصری**، انتشارات سازمان فنی و مهندسی شهر تهران و انجمن ایران-شناسی فرانسه، تهران.
۲۴. لینچ، کوین (۱۳۸۴)، **تئوری شکل شهر**، ترجمه دکتر سید حسین بهرینی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۲۵. مجیدی، داود؛ گیوه‌چی، سعید؛ نوری کرمانی، علی (۱۳۹۰)، «به کارگیری اصول پدافند غیرعامل در بنای شهر دژها در ایران باستان»، **فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی**، شماره چهارم، صص ۴۸-۳۷.
۲۶. مجیدی، نورمحمد (۱۳۷۸)، **تاریخ و جغرافیای کهکیلویه و بوبراحمد (زیر نظر ایرج افشار)**، انتشارات علمی، چاپ اول، تهران.
۲۷. مقدسی، ابوعبدالله محمد بن احمد (۱۳۶۱)، **احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم (ج ۲)**، ترجمه دکتر علینقی منزوی، شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، چاپ اول، تهران.
۲۸. مستوفی، حمدالله (۱۳۶۴)، **تاریخ گزیده**، انتشارات امیرکبیر، چاپ سوم، تهران.
۲۹. مشهدی زاده دهقانی، ناصر (۱۳۷۴)، **تحلیلی از ویژگی‌های برنامه‌ریزی شهری ایران**، انتشارات دانشگاه علم و صنعت، تهران.
۳۰. مناف پور دیزجی، محمد (۱۳۷۱)، **بررسی مسائل دفاعی شهرسازی و دفاع در بازسازی شهر مهران**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران، تهران.
۳۱. میراحمدی، مریم و یادگارزاده، بنفشه (۱۳۸۹)، **بررسی آسیب‌پذیری فرم شهرها از دیدگاه پدافند غیرعامل و راهکارهای کاهش آن**، فصل‌نامه ساخت شهر، شماره ۱۴، صص ۱۴-۲۵.
۳۲. موحدی‌نیا، جعفر (۱۳۸۶)، **اصول و مبانی پدافند غیرعامل**، دانشگاه صنعتی مالک اشتر، تهران.
۳۳. واله اصفهانی، محمدیوسف (۱۳۷۲)، **خلد برین (ایران در روزگار صفویان)**، به کوشش میرهاشم محدث، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، تهران.
۳۴. ویلی، پیتر (۱۳۸۶)، **آشیاانه عقاب (قلعه‌های اسماعیلیه در ایران و سوریه)**، ترجمه فریدون بدره‌ای، انتشارات فرزاد، تهران.
35. Lockhart, Laurence (1958), **the fall of the Safavi Dnasty and the Afghan Occupation of Persia**, Cambridge.
36. Stocqueler, J.H (1832), **"Fifteen months" Pilgrimage through untrodden tracts of Khuzestan and Persia in a Journey from India to England**, London.
37. Stien, Aurel (1938), **"An Archaeology Journey in Western Iran"**, *The Geographical Journal*, vol. 92, No. 3, pp. 313-342.